

دغدغه های دختران و پسران مجرد

زندگی مجردی و استمرار مجرد در هر جامعه ای می تواند تبعات و پیامدهای منفی بر جای بگذارد. یکی از این پیامدهای منفی به این خاطر است که یک برنامه ریزی جدی برای اوقات فراغت جوانان وجود ندارد که می تواند یکی از عوامل مهم درگیری با آسیب های اجتماعی باشد.



سید حسن موسوی چلک

زندگی مجردی و استمرار مجرد در هر جامعه ای می تواند تبعات و پیامدهای منفی بر جای بگذارد. یکی از این پیامدهای منفی به این خاطر است که یک برنامه ریزی جدی برای اوقات فراغت جوانان وجود ندارد که می تواند یکی از عوامل مهم درگیری با آسیب های اجتماعی باشد.

از انواع آسیب های پیش روی افراد مجرد می توان به گرایش به مصرف مواد مخدر و روان گردان که معمولاً از سیگار شروع می شود، اشاره کرد. همچنین افزایش مجرد و استمرار تنهایی می تواند زمینه ای برای گرایش به انحرافات اخلاقی باشد. اما بخش مهم دیگری که در این حوزه می توان به آن اشاره کرد، تاخیر در سن ازدواج یا بلارفتن میانگین سن ازدواج است چرا که افراد مجرد همان طور که در فرهنگ عامیانه نیز گفته می شود از مسئولیت پذیری کمتری نسبت به افراد متأهل برخوردارند. در واقع عدم مسئولیت پذیری در قبال خانواده و دیگران می تواند یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی مجرد باشد البته این مشمول همه افراد مجرد نیست.

ضمناً اگر افراد مجرد، بیکار نیز باشند، مسائل در این موضوع حادتر می شود به طوری که حتی استمرار بیکاری می تواند زمینه فشارهای روانی را در افراد افزایش دهد لذا زندگی مجردی و بلارفتن فراوانی افراد مجرد در جامعه ای که در آن برای جوانان برنامه ریزی نشود، عوارض منفی و ناگواری را می تواند به دنبال داشته باشد.

توجه داشته باشیم؛ هر دو دختر و پسر در صورت استمرار مجرد در معرض حوادث مختلفی هستند اما طبیعتاً پسران به دلیل این که از آزادی عمل بیشتری برخوردارند معمولاً خطرات آنها را بیشتر تهدید می کند.

مزاحمت های خیابانی، قرار گرفتن در کنار باندهای هنجارشکن، شرکت در پارتی ها و مصرف مشروبات الکلی در این پارتی ها و جشن های مختلط که همگی مثل زنجیر به هم وصل می شوند، از جمله خطراتی است که برخی از پسران مجرد را تهدید می کند.

اما چرا برخی از افراد به زندگی مجردی روی می آورند و از تشکیل زندگی مشترک دوری می کنند؟!

یکی از علت های این مسئله را باید در عدم اطمینان آنان از آینده جست وجو کرد. زیرا افراد به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه نوعی ترس از آینده دارند و شرایط را برای ازدواج مناسب نمی بینند، بنابراین از این که بخواهند مسئولیت فرد دیگری را بر عهده بگیرند، فرار می کنند و به نوعی مسئولیت گریز می شوند. زیرا ازدواج نوعی پذیرش نقش جدید است و پذیرش این نقش بستر اقتصادی مناسب و باور ذهنی می خواهد. در واقع دغدغه های ذهنی و اطمینان نداشتن نسبت به آینده از عوامل اصلی بلارفتن سن ازدواج است. به طوری که حتی افرادی که دارای موقعیت شغلی مناسبی هستند به خاطر نگرانی از آینده و احساس عدم امنیت از آینده به سمت زندگی مجردی روی می آورند. آنچه که در بالا اشاره شد بخشی از دغدغه ها است.